

(147)

هو الله

ای کنیز عزیز الهی گمان منما که فراموش شدی همیشه در نظری و زحمات و خدماتت پیش بصر و بلایا و محن و محنتت در خاطر و آوارگی و غربتت آشکار و ظاهر لهذا از حق تأیید طلبیم که معین و مجیر گردد و نصیر و دستگیر شود بلکه انشاء الله ایام باقیه را براحه و رفاهیت بگذرانی و ببشارت الهیه مستبشر باشی و سبب سرور و حبور اماء رحمان باشی کل را بالطف و عنایات جمال مبارک متذکر داری و جمیع را بفیوضات ملکوت او مستبشر نمائی آن اماء رحمان جمیعا در این بساط عزیزند و در این ساحت مذکور و مشهور عبدالبهاء سر باستان نهد و در ساحت کبریا عجز و لابه نماید و طلب عون و عنایت کند تا فیض مستمر گردد و فوز مشتهر شود جمیع را بتحیت ابدع ابهی از قبل عبدالبهاء جان و دل مسرور و مشعوف کن و علیک و علیکن البهء الأبئی (ع ع)